

دو فصل نامه علمی - اختصاصی معارف فقه علوی

سال دوم، شماره سوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵ / ۲۰۱۶ / Fall & Winter, Vol. ۲, No. ۳, Ma'arif Fiqh Alavi

صفحات ۱۰۳ تا ۱۳۹

مسئولیت مدنی رسانه ها از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی^۱

علی اکبر محمدزاده^۲

چکیده

در دنیای امروز رسانه یکی از ابزار مهم برای انتقال اطلاعات، جهت دهی اذهان عمومی، حمایت یا تخریب اقدامات دولت ها، ایجاد موج های اعتراضی و... محسوب می شود. در جریان فعالیت های گسترده رسانه ها امکان دارد، شخصیت حقیقی یا حقوقی متضرر گردد و گاه از جایگاه و داشته های خود ساقط گردد. حال این سوال رخ می نماید که آیا در این فرض ضمانتی متوجه رسانه مزبور می شود؟ (پرسش اصلی) فرضیه این پژوهش آن است که بر اساس قواعد فقهی - حقوقی حتما رسانه مزبور ضامن خسارت وارده است و ملزم به جبران آن است. (فرضیه) برای رسیدن به این فرضیه باید از روش توصیفی - تحلیلی بهره برد (روش). یافته این پژوهش آن است که قواعد فقهی - حقوقی در مساله به خوبی مبین مسئولیت مدنی رسانه مزبور است و البته نیازمند تدوین یک قانون جامع مبتنی بر واقعیت های موجود در این زمینه هستیم. (یافته)

کلید واژه ها: مسئولیت مدنی، رسانه، فقه، حقوق

^۱ - تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۱۰

^۲ - حقوقدان و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب. mohammadzade@icpcr.com

مقدمه

امروز رسانه‌ها یکی از پرنفوذترین ابزارها در فکر و اندیشه مردم محسوب می‌شوند. کار اصلی رسانه از بالاترین سطح که آموزش در حوزه‌های مختلف است آغاز می‌شود و به مقوله «خبر» که جزء رایج‌ترین فعالیت‌های رسانه‌ای است منتهی می‌شود. ممکن است برآیند و نتیجه فعالیت رسانه‌ای منجر به ضرر یک فرد یا گروه گردد و از ناحیه این اقدام آسیب ببینند. حال ضمانت این ضرر و خسارت بوجود آمده به عهده چه کسی است؟ آیا رسانه در این خصوص مسئولیتی دارد؟ در فرض پذیرش مسئولیت، ضامن مدیر رسانه است یا شخصی که خبر یا فعالیت دیگر رسانه‌ای را انجام داده است؟ این سوالات زمینه پژوهش در این زمینه را فراهم می‌سازد.

برای پاسخ به این پرسش که آیا رسانه در قبال خسارت وارده به افراد یا گروه‌ها ضامن است یا نه، به سراغ بررسی متون فقهی و حقوقی می‌رویم. و حاصل تحقیقات خود را در قالب نوشتار حاضر تقدیم می‌نماییم.

پیشینه تحقیق

در خصوص مسئولیت مدنی رسانه‌ها پژوهش‌هایی صورت گرفته است. حسنی و هاشمی (۱۳۸۹) در پژوهش خود با نام رسانه‌ها و مسئولیت مدنی به این نتیجه رسیده‌اند که رسانه‌ها در مقابل ضرر وارده ضامن هستند. ترزومی نژاد و ایرانتاج (۱۳۹۱) در پژوهش خود با نام «مسئولیت مدنی رسانه‌های تصویری نسبت به پخش برنامه‌های برون مرزی» به این نتیجه رسیده‌اند که دولت‌ها می‌توانند بر اساس حقوق بین‌الملل ضررهای مختلف ناشی از فعالیت این رسانه‌ها را از آنها مطالبه کنند و مسئولیت مدنی متوجه صاحبان آن رسانه‌ها می‌باشد. امانوئل دآوکس (بی تا) نیز در پژوهش خود با نام «رژیم مسئولیت مدنی و کیفری رسانه‌ها در حقوق فرانسه» به این نتیجه رسیده است که هرچند آزادی مطبوعات در کشور فرانسه از جایگاهی مستحکم برخوردار است اما برای حراست از منافع عمومی و حقوق دیگران قید و بندهای مختلفی به آن اصل وارد آمده

است نقض این محدودیتهای تواند مسئولیت مدنی ویاکیفری شخص ذی ربط رادریی داشته باشد. پورجوهری(۱۳۸۷) نیز در پژوهش خود با نام «مسئولیت مدنی ناشی از پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیون (با مطالعه تطبیقی)» به یافته‌های قابل توجهی دست یافته است که عبارت است از اینکه « صدا و سیما نه تنها مجاز به پخش اخبار و اطلاعات غلط نیست، بلکه در پخش اخبار صحیح نیز محدودیت دارد. پخش آگهی‌های تبلیغاتی غیر واقعی می‌تواند مسئولیت آور باشد. صدا و سیما ملزم به اجرای کامل قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان است. برنامه‌هایی که متضمن توهین، افترا، نشر اکاذیب هستند، حتی در صورت فقدان سوءنیت مسئولیت آورند. پخش اخبار و اطلاعات نادرست، نقض یک قرارداد ضمنی مبنی بر واقعیت‌نمایی است. حق پاسخگویی لازم است در صدا و سیما به مانند مطبوعات اجرا شود، ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی درباره کارکنان استخدامی صدا و سیما قابل اجرا است. دعاوی مسئولیت مدنی رادیو و تلویزیون هم در دادگاه عمومی مرکز فرستنده و هم در دادگاه عمومی که مخاطب در آن اقامت دارد، اقامه می‌شود. صورت و تصویر ضبط شده می‌توانند به عنوان یک اماره قضایی باشند. سازمان صدا و سیما مشمول قانون ۶۵ در مورد نحوه محکومیت‌های مؤسسات دولتی نمی‌شود. تبصره ۴۷ قانون اجرای احکام علی‌رغم نسخ ماده ۷۹۲ قانون آیین دادرسی مدنی سابق کماکان قابل اجراست.»

صحرا نورد و خلیل زاده(۱۳۹۰) نیز در پژوهش خود با نام «مسئولیت مدنی رسانه‌ها در حقوق موضوعه ایران» نیز به این نتیجه رسیده اند که رسانه‌ها در قبال خسارات وارده اعم از مادی و معنوی، ضامن هستند و مشمول ماده یک قانون مسئولیت مدنی می‌شوند.

اما نقدی که به همه این پژوهش‌ها وارد است آن است که مبانی فقهی مسئولیت مدنی را رسانه‌ها را کمتر مورد توجه قرار داده یا اصلا به آن عنایایی نداشته‌اند. دانشجویان فقه و حقوق به خوبی بر این مساله واقف اند که اگر بنا باشد قانونی جامع در خصوص رسانه‌ها تدوین و تصویب گردد نیازمند واکاوی و تبیین دقیق مبانی فقهی است و بدون پشتوانه

فقهی نمی توان دست به تدوین قانون زد. زیرا فرض آن است که طبق اصل ۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کلیه قوانین و مقررات مدنی و... باید بر اساس موازین اسلامی باشد. و احراز این امر جز با داشتن مبانی مستحکم فقهی میسر نیست. بنابراین عمده مزیت تمرکز این پژوهش بر تبیین مبانی فقهی مسئولیت مدنی رسانه‌ها است که البته از مواد قانونی موجود نیز بهره می‌گیریم.

۱. مفاهیم و کلیات

۱.۱. مفهوم رسانه

"رسانه" وسیله‌ای است برای نقل و انتقال اطلاعات، ایده‌ها و افکار افراد یا جامعه؛ «رسانه یک واسطه عینی و عملی در فرآیند برقراری ارتباط است و دو نوع کارکرد آشکار و پنهان برای آن وجود دارد که کارکرد آشکار آن یعنی اینکه رسانه محل برخورد پیام و گیرنده پیام است اما کارکرد پنهان رسانه یعنی برقرار کننده جریان ارتباط و پیام رسانی.» (تانکار، ۱۳۸۶)

۱.۲. انواع رسانه

با توجه به گسترش روزافزون فناوری در دنیا، تعدد رسانه‌ها مداوماً رو به گسترش است که در دسته بندی و گروه‌های گوناگونی قرار می‌گیرند که از جمله می‌توان به گروه‌های زیر اشاره کرد:

۱- رسانه‌های نوشتاری مانند مطبوعات، کتاب و مجلات.

۲- رسانه‌های شنیداری مانند رادیو.

۳- رسانه‌های دیداری مانند تلویزیون، سینما، اینترنت.

۴- رسانه‌های ابزاری مانند مانند اعلامیه، بروشور، تابلوی اعلانات، کاتالوگ، پوستر، تراکت، پلاکارد، آرم، لوگو، فیلم‌های تبلیغی، فیلم کوتاه و بلند، سخنرانی، همایش و تئاتر.

۵- رسانه‌های نهادی یا گروهی همچون روابط عمومی‌ها، شرکت‌های انتشاراتی، بنیادهای سینمایی.

۶- رسانه‌های فرانهادی همچون خبرگزاری‌ها، دفاتر روابط بین‌الملل، کارتل‌ها، بنگاه‌های سخن‌پراکنی و تراست‌های خبری، شرکت‌های چندملیتی سازه، فیلم‌های سینمایی، شبکه‌های ماهواره‌ای.

۴.۱. مفهوم مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی عبارت از جبران ضرر و زیان و خسارت به دیگری است که این مسئولیت بر اساس رابطه‌ای دینی بین زیان‌دیده از جرم و زیان‌زننده ایجاد می‌شود. بر این اساس، شخص به جبران خسارتی که به دیگران وارد می‌کند، ملزم می‌شود و در حقیقت این الزام، ناشی از عمل منتسب و مرتبط به او نسبت به دیگری است. در حقیقت «هر کس بدون مجوز قانونی، عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان، سلامتی، مال، آزادی، حیثیت، شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد شده است، لطمه‌ای وارد کند که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود است.» (ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی)

۲. مبانی فقهی مسئولیت مدنی رسانه ها

در فقه، قواعد مختلفی در باب معنای مسئولیت مدنی مطرح شده است که با توجه به عام بودن این قواعد، قابل تعمیم به حوزه رسانه نیز است و علی القاعده این قواعد که ریشه مسئولیت مدنی در فقه نامیده می‌شود، در حوزه‌های مختلف از جمله مسئولیت مدنی رسانه‌ها نیز قابل استفاده می‌باشد. این قواعد شامل قاعده اتلاف و تسبیب، لاضرر و غرور می‌باشد.

۱.۲. قاعده اتلاف و تسبیب

برخی فقها، اتلاف و تسبیب را به عنوان دو قاعده جداگانه در نظر گرفته‌اند و در بیان موجبات ضمان این دو را از یکدیگر تفکیک نموده‌اند. (علامه حلی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۷۴، ۱۳۳۲) برخی حقوقدانان هم از این شیوه پیروی نموده‌اند. (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۵۶ و ۱۵۹) ولی برخی دیگر از فقها عقیده دارند، اتلاف ممکن است، بالمباشره باشد یا بالسبب؛ (شهیدثانی، ۱۴۱۶، ج ۱۲، ص ۱۶۲؛ حسینی المرآغی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۳۵) در نتیجه قاعده تسبیب، قاعده مستقلی به شمار نمی‌رود، بلکه فرعی از قاعده کلی اتلاف خواهد بود. یه عقیده این دسته از فقها «اینکه متلف سبب یا مباشر یا نحو آن باشد، اهمیتی ندارد، زیرا این دو، به مرتبه خاصی تعلق ندارد، بلکه یکی سبب است و دیگری سبب سبب» (حسینی المرآغی، همان).

به نظر می‌رسد، نظر دوم، با مفاد قاعده سازگارتر است؛ بنابراین ما هم اتلاف و تسبیب را به عنوان دو قاعده جداگانه در نظر نگرفته‌ایم، و مطالب خود را تحت عنوان اتلاف و تسبیب، بیان می‌نمائیم.

در خصوص ضمان ناشی از اتلاف و تسبیب اختلافی در بین فقهای امامیه و عامه وجود ندارد و حتی در مورد آن ادعای اجماع هم شده است. (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۴۳۴) برخی قاعده اتلاف را چنین تعریف نموده‌اند: «هرگاه شخصی مال دیگری را تلف کند،

ضامن است که آن را جبران و تدارک نماید، بدین وسیله مثل یا قیمت آن را به صاحبش بپردازد». (شهابی خراسانی، ۱۳۳۲، ص ۹۰) این تعریف را بایستی ناظر به ائتلاف بالمباشره بدانیم. قانون مدنی نیز در ماده ۳۲۸ خود آورده است: «هر کس مال غیر را تلف کند، ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از این که از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از این که عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند، ضامن نقص قیمت آن مال است». این نکته هم قابل توجه است که ایجاد سبب تلف، چنانچه عرفاً رابطه سببیت مستقیم را قطع ننماید، مانع از صدق عنوان ائتلاف نیست. چنانکه اگر کسی آتشی بیافروزد و از این آتش خسارتی به بار آید، موضوع از عنوان ائتلاف خارج نمی‌شود. فقها این افعال را اصطلاحاً، افعال تولیدیه نامیده‌اند؛ (رشتی، ۱۳۳۲، ص ۲۹) بر عکس هرگاه، انتساب زیان به شخص، علی‌رغم وجود رابطه مستقیم ظاهری، به واسطه زلزله یا سایر حوادث قهری ممکن نباشد، این قاعده اعمال نخواهد شد. (کاتوزیان، ج ۱، ص ۱۵۸ - ۱۵۹)

به عنوان نمونه، اگر روزنامه‌ای اقدام به انتشار عکس‌های خصوصی زندگی یک بازیگر معروف نماید، روزنامه مسئول مستقیم و بلا واسطه محسوب می‌شود. اما در عمده موارد مدیر مربوطه به دلایلی که بعداً گفته خواهد شد، مسئول جبران خسارت خواهد بود. در ماده هفت آئین نامه تأسیس و نظارت بر چاپخانه‌ها و واحدهای وابسته آمده است: «مسئولیت اداره چاپخانه و واحدهای وابسته به آن یا دارنده پروانه است، وی مسئول حسن اجرای مفاد این آئین نامه و دستورالعمل‌های صادر شده از سوی وزارت و پاسخگوی کیفیت و محتوای آگهی‌ها و کارهای چاپی است.»

کسانی که سبب را قاعده‌ای مستقل به شمار آورده‌اند، این قاعده را چنین تعریف نموده‌اند: «هرگاه کسی کاری کند که بر اثر آن کار، مال شخصی دیگر تلف شود، مانند اینکه دزدی را به خانه او راهنمایی کند، یا حیوانی را که متعلق به او است رها سازد، تا در نتیجه گرفتار دزد یا دچار درنده یا نابود و گم گردد، ضامن است که آن را جبران و تدارک کند». (شهابی خراسانی، همان، ص ۹۱)

در تعریف «سبب»، افعال متعددی بیان شده است، که بیان تفصیلی و نقد همه این اقوال در این مجال اندک نمی‌گنجد و ضرورتی هم ندارد. (ر.ک: نجفی، همان، ج ۳۷، ص ۵۱ - ۴۸) ولی در اینجا مهم‌ترین اقوال را به دلیل اینکه بخش عمده‌ای از خساراتی که رسانه به افراد وارد می‌کنند به صورت اتلاف بالتسبیب است نه اتلاف بالمباشره، در تعریف سبب بیان می‌کنیم.

برخی فقها سبب را فعلی دانسته‌اند که تلف به سبب یا به واسطه آن حاصل گردد. (محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۷۶۳) بر این تعریف ایراد وارد نموده‌اند که این تعریف مشتمل بر دور است؛ زیرا در تعریف سبب، از خود سبب استفاده شده است. از طرف دیگر، این تعریف مانع هم نیست، زیرا علاوه بر سبب، مباشر را هم در بر می‌گیرد، زیرا در مباشرت هم تلف به واسطه مباشر و یا نزد او حاصل می‌گردد. (شهید ثانی، همان، ج ۱۲، ص ۱۶۳)

برخی دیگر عقیده دارند، آنچه در تلف مالی، مدخلیت دارد، منحصر در دو فرض است؛ یا مستند دانستن تلف نسبت به این عامل اضافه حقیقی است و یا خیر. اگر استناد تلف به یک عامل از نوع اضافه حقیقی باشد، آن عامل «علت» تلقی و به عنوان مباشر شناخته می‌شود. در صورتی که استناد تلف به یک عامل از نوع اضافه حقیقی نباشد، ولی از شأن این عامل این باشد، که در صورت اضافه شدن امر دیگر، موجب تلف گردد، سبب شمرده می‌شود. (علامه حلی، همان، ج ۲، ص ۳۷۴ و شهید ثانی، همان، ج ۱۲، ص ۱۶۳) این تعریف نیز از یک سو به مفاهیم منطقی و فلسفی نزدیک شده و موضوع را دشوارتر نموده و از سوی دیگر، معیار مشخصی را برای تشخیص سبب ارائه نمی‌کند.

برخی دیگر از فقها همین تعریف را ساده‌تر نموده‌اند و چنین ابراز داشته‌اند که «سبب، ایجاد امری است که تلف نزد آن حاصل می‌شود، لیکن علت تلف امر دیگری است». (علامه حلی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۲۱)

پس از بررسی اقوال فوق در بیان مفهوم سبب به نظر می‌رسد، چنانکه برخی فقها نیز بیان داشته‌اند بایستی در تعریف سبب، معنای اصطلاحی (هو ما یلزم من وجوده الوجود ومن عدمه العلم) سبب را کنار بگذاریم و معنای عرفی سبب را در نظر بگیریم. (نجفی، همان، ج ۳۷، ص ۵۲) برخی فقها در آثار خود بر همین معنی تأکید نموده‌اند و اظهار داشته‌اند: «هرگاه منشأ ضمان اتلاف باشد، چنانکه از نصوص و فتاوی هم بر می‌آید، ملاک اصلی این است که عرفاً بر فردی عنوان متلف صدق نماید، و تقسیم علل تلف به مباشر و سبب و مانند اینها، تقسیم‌بندی‌های عرفی است، و گرنه دلیلی برای تمایز مباشرت و تسبیب و مقدم دانستن یکی بر دیگری وجود ندارد». (حسینی المرآغی، همان، ج ۲، ص ۴۳۵)

چنانکه بیان شد، در خصوص تشخیص رابطه سببیت، بین فقها اختلاف نظرهایی دیده می‌شود. شاید در نخستین نگاه چنین به نظر رسد که علت این اختلافات، اختلاف نظر آنان در تعریف سبب و رابطه سببیت است؛ ولی اگر نیک بنگریم، در می‌یابیم که علت این اختلافات، اختلاف نظر در تشخیص صدق عنوان سببیت عرفی است. (همان: ص ۴۳۶) یعنی تعریف سبب از نظر همه فقها، مفهومی عرفی دارد، و اختلاف نظر میان فقها، اختلاف در تشخیص مصادیق است، نه در تعریف از رابطه سببیت. برخی فقهای معاصر نیز همین عقیده را ابراز نموده‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۰۶)

بنابراین، در تعریف رابطه سببیت نیز بایستی دست به دامان عرف شد. به عقیده ما، سببیت عرفی «رابطه‌ای است که در هر مورد با توجه به جمیع شرایط و اوضاع و احوال، بین دو پدیده برقرار می‌گردد، به گونه‌ای که عرف یک پدیده را ناشی از پدیده دیگر می‌داند.»

بر اساس این قاعده، اتلاف اعم از اتلاف بالمباشره یا باتسبیب زمانی موجد مسئولیت خواهد بود که رابطه سببیت عرفی میان زیان و عامل زیان برقرار گردد. در اتلاف بالمباشره اصولاً این رابطه محرز است و جز به واسطه عوامل قهری و یا مداخله شخص

ثالث قطع نمی‌گردد؛ از این رو با وجود رابطه مستقیم بین زیان و عامل زیان، بایستی به جبران خسارت داد. ولی در ائتلاف بالتسبیب به دلیل غیر مستقیم بودن رابطه میان زیان و عامل زیان، بایستی این رابطه منجزاً احراز شود. از این روست که برخی فقها و حقوقدانان عقیده دارند، احراز تقصیر در قاعده تسبیب برای احراز رابطه تسبیب عرفی است (مبین، ۱۳۸۷، ص ۱۰۲)، وگرنه تقصیر در مسئولیت مدنی موضوعیتی ندارد. (بهرامی احمدی، ۱۳۸۸، ص ۷۱ - ۶۸)

۲،۲ قاعده لاضرر

یکی دیگر از قواعد بسیار مهم در خصوص مسئولیت مدنی در فقه امامیه، قاعده لاضرر است. باید توجه داشته باشیم که محدوده قاعده لاضرر در فقه امامیه بسیار گسترده‌تر از بحث مسئولیت مدنی است. (ر.ک: حسینی سیستانی، ۱۴۱۴) از سوی دیگر نقش لاضرر در مسئولیت مدنی در فقه امامیه نیز، انکارناپذیر است.

برخی حقوقدانان، در این خصوص چنین گفته‌اند: «در هر مورد که سخن از ضمان قهری به میان می‌آید، هر چند که «لاضرر» به عنوان مدرک اصلی ضمان مورد استفاده قرار نگیرد، پایه و اساس جبران خسارت را تشکیل می‌دهد. منتها، باید دانست که در حقوق اسلام قاعده لاضرر قلمروی گسترده‌تر از مسئولیت مدنی، به معنی مرسوم خود دارد: «فقیهان اسلامی از آن به عنوان حکم ثانوی و محدود کننده استفاده کرده‌اند، تا هر جا که ضرر نامشروع یا نامتناسبی از احکام ناشی شود، از آن پرهیز کنند». (کاتوزیان، همان، ج ۱، ص ۱۵۱)

هرگاه بخواهیم به قاعده لاضرر از زاویه مسئولیت مدنی بنگریم، مطالعه و بررسی سه موضوع ضروری است. در ابتدا از این موضوع سخن می‌گوئیم که آیا می‌توان لزوم جبران خسارت را از قاعده لاضرر استنباط نمود، سپس قاعده لاضرر را با نظریه سوء استفاده از

حق مقایسه نمائیم و در پایان، نقش قاعده لاضرر در مسئولیت رسانه را مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

الف: قاعده لاضرر و « لزوم جبران خسارت »

در خصوص اینکه معنای قاعده لاضرر چیست و آیا از این قاعده می‌توان لزوم جبران خسارت را استنباط نمود، در میان فقها و حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. سؤال اساسی از اینجا به وجود می‌آید که ظاهر روایت بیان می‌دارد که ضرر و ضرار وجود ندارد، حال آنکه با وجود ضررهای مختلفی که در عالم وجود دارد، نفی وجود ضرر، مبنایی ندارد؛ در نتیجه بایستی این قاعده، به نحوی تفسیر و معنا شود.

برخی فقها عقیده دارند، لا ضرر دلالت بر نهی ایراد ضرر به غیر دارد. این نظریه، به علمای لغت نسبت داده شده است و از فقیهان معروفی که طرفدار این نظریه بوده‌اند، شیخ الشریعه اصفهانی است. (بهرامی احمدی، همان، ص ۲۹۵ - ۲۹۴) بر مبنای این نظر، قاعده لاضرر بیانگر حکم تکلیفی است، نه حکم وضعی. نهایتاً، این قاعده می‌تواند، حرمت ایراد ضرر به غیر را به اثبات رساند. ولی استفاده از این قاعده برای اجبار عامل زیان به جبران خسارت، نیازمند فتاوی فقها است که نه تنها چنین فتوای وجود ندارد، بلکه فتوای بسیاری بر خلاف این قول نیز وجود دارد. (نجفی، همان، ج ۳۷، ص ۱۶ - ۱۵).

برخی فقها مثل فاضل تونی نیز معتقدند، مقصود از لاضرر، نفی ضرر غیر متدارک است، یعنی ضرر جبران نشده در شرع وجود ندارد. (حسینی المرآغی، همان، ج ۱، ص ۳۲۲) بر مبنای این نظر، لا ضرر دلالت بر جبران خسارت می‌نماید، زیرا شارع با وجوب و لزوم جبران ضرر، از متضرر رفع ضرر می‌نماید. ضرر بدون تارک، ضرر است و شارع این ضرر را نفی نموده است، پس بایستی جبران گردد. برخی فقها این قول را نامناسب‌ترین نظر در معنای لاضرر دانسته‌اند. (انصاری، ۱۴۱۴، ص ۱۱۴)

برخی فقها نیز معتقدند لاضرر بر نفی حکم ضرری دلالت می‌کند. بر اساس این نظر، آنچه از طرف شارع نفی شده است، وجود حکم ضرری در شرع است، اعم از اینکه ضرر، ناشی از خود حکم باشد، مثل حکم لزوم بیع غبنی یا ناشی از متعلق حکم باشد، مانند وضو یا حج ضرری؛ ظاهراً این نظر برای اولین بار توسط ملا احمد نراقی (نراقی، ۱۴۰۸، ص ۱۸) مطرح شد.

برخی دیگر مثل آخوند خراسانی معتقدند لسان قاعده لاضرر لسان نفی حکم ضرری از طریق نفی موضوع است. (ر.ک: آخوند خراسانی، ۱۴۲۳، ص ۳۸۲) بر اساس این مبنا هم نمی‌توان مسئولیت مدنی را از لاضرر استفاده کرد. بنابراین تنها بر اساس نظریه فاضل تونی می‌توان علاوه بر حرمت فعل ضرری، ضمان و مسئولیت مدنی را نیز از لاضرر استفاده کرد.

ب: قاعده لاضرر و «نظریه سوء استفاده از حق»

قاعده لاضرر در فقه امامیه را با نظریه سوء استفاده از حق در حقوق جدید، نیز می‌توان مقایسه نمود. در حقوق فرانسه، نظریه «سوء استفاده از حق» زائیده رویه قضایی است و سابقه چندان طولانی ندارد، چنانکه برخی حقوقدانان عقیده دارند، این نظریه در حقوق اروپا هنوز دوران طفولیت خود را طی می‌کند و به دامن مادر نیاز دارد؛ این موجود هنوز رشد کافی نکرده تا بتواند برای خود حیات مستقلی داشته باشد. (بهرامی احمدی، همان، ص ۲۹۲)

ولی در فقه امامیه، نظر سوء استفاده از حق، به عنوان یکی از نتایج قاعده لاضرر، از چهارده قرن پیش مطرح بوده و مورد استفاده از فقهای اسلامی قرار گرفته است. اگر چه در نقش قاعده لاضرر در اثبات حکم جبران خسارت، اختلاف نظر وجود دارد، ولی در جایگاه این قاعده، در منع سوء استفاده از حق نمی‌توان تردید نمود.

به طور خلاصه می‌توان نظریه سوء استفاده از حق را چنین تعریف نمود «مسئولیت صاحب حقی که به شیوه‌ای نامشروع آن را اجرا می‌کند و به منافع دیگران لطمه می‌زند.» (کاتوزیان، همان، ج ۱، ص ۴۲۵) منع سوء استفاده از حق در اصل ۴۰ قانون اساسی نیز مورد تأکید قرار گرفته است: «هیچ کس نمی‌تواند اعمال خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد»

در خصوص رابطه لاضرر و سوء استفاده از حق، بایستی چنین گفت که «رابطه قاعده لاضرر با دیگر ادله احکام، رابطه حکومت است... حکومت این قاعده اقتضا دارد که همان جزئی که موجب وارد آمدن ضرر شده نفی گردد و در خارج از نفی ضرر، جریان ادله احکام به حال خود باقی بماند. بنابراین، اگر ضرر ناشی از لزوم عقد است، لزوم برداشته می‌شود و اگر ناشی از نوع خاصی از تصرفات مالک یا صاحب حق است، همان نوع خاص ممنوع و یا محدود می‌گردد.» (بهرامی احمدی، همان، ص ۳۵۵)

لاضرر در فقه امامیه، محدوده‌ای بسیار وسیع دارد، که منع سوء استفاده از حق یکی از آثار این قاعده است. در نتیجه اگر کسی در مقام اعمال حق خویش نیز به دیگری زیانی وارد نماید، ملزم به جبران آن خواهد بود. اگرچه برخی حقوقدانان عقیده دارند، سوء استفاده از حق تقصیر محسوب می‌شود و مبنای مسئولیت در سوء استفاده از حق، تقصیر است؛ ولی به عقیده ما در اینجا نیز، آنچه در صدور حکم به جبران خسارت، مد نظر قرار گرفته است، قابلیت استناد زیان به عامل زیان است. در حقیقت سوء استفاده از حق را نمی‌توان با معیار شخصی مورد توجه قرار دهد. مهم آن است که بتوان زیان را مستند به عامل زیان دانست، حتی اگر قصد اضراری در میان نباشد. (مبین، ۱۳۸۷، ص ۱۸۵ - ۱۸۳)

ج: قاعده لاضرر و مسئولیت رسانه‌ها

قاعده لاضرر عام است و هم شامل عبادات و هم شامل معاملات می‌گردد. هرچند عده‌ای در مورد کاربرد آن در معاملات تردید نشان می‌دهند. از طرفی در اینکه ضررهای مادی

و بدنی مشمول قاعده لاضرر می‌شوند، تردید مهمی وجود ندارد. اما در مورد ضررهای معنوی این بحث مطرح شده است که آیا می‌توان جبران این ضررها را از طریق قاعده لاضرر خواستار شد؟ به نظر بعضی از حقوقدانان و فقها با توجه به اوضاع و احوال و مقدمات دعوی، در قضیه سمره بن جندب که منجر به بیان این حدیث نبوی شد، معلوم می‌گردد که صدور این حکم بیشتر برای رفع نیازهای معنوی و تزییق مزاحمت‌ها بوده است. اما به نظر گروهی از فقها همچون صاحب عناوین واژه (ضرر) شامل ضررهای معنوی یا به اصطلاح آنان (هتک حرز) می‌گردد لذا حدیث نیز بر این ضررها دلالت دارد. (کاتوزیان، همان، ص ۱۴۸)

آنچه در بحث ما اهمیت دارد این است که قاعده لاضرر به تنهایی کافی است که اصحاب رسانه را به جبران خسارت مادی و معنوی وارد به دیگران که از طریق پخش برنامه‌های زیان‌بار یا نوشتن مطالب خسارت آفرین به وجود می‌آید، ملزم نماید. چرا که این قاعده بیانگر حکم کلی قانونگذار مبنی بر جبران خسارت (اعم از مادی و معنوی) که به هر طریقی به دیگران وارد شده است، می‌باشد و مسلماً ضررهای ناشی از رسانه را نیز شامل می‌شود.

۳،۲. قاعده غرور

اکثر فقها قاعده غرور را به عنوان یکی از مصادیق، اقوی بودن سبب بر مباشر دانسته‌اند. (علامه حلی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۲۲) و بیان داشته‌اند که در فرضی که کسی طعام دیگری را مجاناً در مقابل فردی قرار دهد تا بخورد، و آن شخص ندانسته این غذا را بخورد، ضمان بر عهده فردی است که غذا را در مقابل او قرار داده است، زیرا در اینجا به دلیل غرور، سبب، اقوی از مباشر است.

اگرچه برخی فقها عقیده دارند، غرور در حالتی محقق می‌شود که غار عالم باشد (حکیم، بی تا، ص ۲۶۹)، ولی مشهور فقها با این نظر مخالفند و معتقدند حتی در فرض جهل غار

هم، غرور مصداق پیدا می‌کند، زیرا صدق عنوان افعال احتیاجی به علم ندارد. (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۹)

برخی دیگر از فقها عقیده دارند، در فرض غرور، هم مغرور ضامن است و هم غار؛ مغرور بر مبنای قاعده تسبیب ضامن است، زیرا تلف مستند به عمل اوست، ولی حق دارد به غار رجوع نماید؛ و غار بر مبنای قاعده غرور ضامن است و هم مغرور و هم زیان دیده اصلی، حق دارد به او رجوع نماید. (حسینی المرآعی، همان، ج ۲، ص ۴۳۷ و ۴۴۴)

برخی فقها هم عقیده دارند، در قاعده غرور، ضامن در مرحله نخست، بر عهده مباشر است. علت این قول را می‌توان چنین توجیه نمود که در اینجا، تلف مستند به عمل مباشر است، ولی او حق رجوع به سبب را دارد. این دسته از فقها دو حالت را از یکدیگر تفکیک می‌نمایند. (نائینی، همان، ج ۲، ص ۱۷۳ - ۱۷۲)

نخست؛ حالتی است که فعل مستند به سبب باشد نه مباشر؛ در این حالت قاعده تسبیب اجرا می‌شود و ضامن بر عهده سبب خواهد بود. فعل زمانی مستند به سبب خواهد بود که یا مباشر مختار نباشد، مثلاً مباشر، حیوان یا صغیر غیر ممیز باشد، و یا اینکه مباشر به دلیل الزام شرعی مکلف به اجرای آن عمل باشد، مثل حالتی که قاضی بر خلاف واقع و از روی ظلم، حکم به قصاص فردی بی‌گناه می‌دهد و مأمور اجرا، فرد را به قتل می‌رساند. در اینجا اگرچه مباشر از روی اختیار فرد را به قتل رسانده، ولی چون شرعاً ملزم به اجرای حکم بوده، ضمانی بر او نیست و سبب اقوی از مباشر محسوب می‌گردد.

دوم؛ زمانی است که فعل مستند به مباشر باشد، ولی منان بر عهده سبب است و آن هنگامی است که سبب، مباشر را امر به کاری نماید و خودش ضامن آن را بپذیرد یا اینکه مباشر را در موقعیت ضامن قرار دهد، مثل وقتی که طعام دیگری را مجاناً در مقابل او قرار دهد. در این فرض قول قوی‌تر آن است که ابتدائاً مباشر را ضامن بدانیم، ولی این حق را به او بدهیم که به سبب، رجوع نماید. قاعده غرور نیز یکی از مصادیق

این فرض است. بر اساس این نظر «هرگاه کسی دیگری را فریب دهد و در نتیجه، موجب تلف مالی از او گردد، بدین گونه که در کاری تدلیس کند یا به چیزی غش بزند یا به عنوان مالک بودن، ملک شخصی را بفروشد باید از عهده ضرر شخصی که فریب خورده برآید». (شهابی خراسانی، همان، ص ۹۰) پس غار ضامن خسارت وارد به مغرور است، نه خسارت وارد به ثالث.

در فعالیت‌های رسانه‌ای به خصوص در مورد پخش تبلیغات و همچنین پخش اخبار و اطلاعات نادرست، قاعده غرور یکی از بیشترین مصادیق را دارا می‌باشد. زیرا مسلماً پخش این برنامه‌ها باعث می‌شود تا مخاطب به واسطه اطمینانی که به رسانه دارد، اقدام به انجام عملی نماید و در این رابطه متضرر و زیان دیده شود. در این صورت می‌توان رسانه مورد نظر را بر اساس قاعده غرور مسئول جبران خسارت وارده دانست و البته علم و قصد رسانه به نادرست بودن اخبار و اطلاعات پخش شده برای مسئولیت دانستن آن بر اساس قاعده غرور لازم و ضروری نیست. بنابراین تبلیغاتی که در جهت تدلیس و سوء استفاده از اعتماد فرد باشد و یا مشتمل بر دروغ باشد، موجب ضمان فریب دهنده می‌باشد.

۴,۲. قاعده احسان

قاعده احسان در میان فقها و حقوقدانان، اصولاً به عنوان یک قاعده مسقط ضمان شناخته شده است. ولی برخی حقوقدانان عقیده دارند، قاعده احسان به عنوان قاعده موجد ضمان نیز قابل استفاده است. (مصطفوی، ۱۳۸۴، ص ۶۳؛ کاتوزیان، همان، ج ۲، ص ۱۶۹ - ۱۶۸) در اینجا فقط نقش احسان در اثبات مسئولیت و مبنای آن را مورد مطالعه قرار می‌دهیم

در ابتدا بایستی به دو نکته توجه نمود. نخست اینکه احسان اعم از جلب منفعت و دفع ضرر است. (حسینی المرآغی، همان، ج ۲، ص ۴۷۷ - ۴۷۶) دوم اینکه در قاعده احسان،

هم بایستی محسن، به قصد احسان اقدام نموده باشد و هم عمل او نوعاً سودمند و محسنانه باشد، هرچند که بر حسب اتفاق، مصادف با واقع پیدا نکند. (مصطفوی، همان، ص ۶۶) به عبارت دیگر قاعده احسان از عناوین قصدیه به شمار می‌رود. (حسینی المرآعی، همان، ج ۲، ص ۴۷۸)

بیشتر فقها در خصوص اثبات ضمان توسط قاعده احسان، بحثی ننموده‌اند. برخی حقوقدانان هم طرح موضوع اداره فضولی مالی غیر (ماده ۳۰۶ قانون مدنی)، با بیان این مطلب که احسان فقط ناظر به سقوط مسئولیت است و نمی‌تواند مثبت ضمان تلقی شود، مبنای این ماده را قواعد حسبه (محقق داماد، ۱۳۸۰، ص ۳۰۸) و برخی دیگر هم مبنای آن را قاعده نفی الضرورات تبیح المحظورات دانسته‌اند. (عامری، ۱۳۸۱، ص ۴۸) باید توجه داشته باشیم که نه قواعد حسبه و نه قاعده «الضرورات تبیح المحظورات»، هیچ کدام نمی‌تواند مبنای ماده ۳۰۶ قانون مدنی تلقی شود؛ زیرا این دو قاعده حداکثر می‌تواند مثبت جواز تصرف در مال غیر باشد و حکم تکلیفی حرمت این نوع تصرفات را بردارد، ولی هیچگاه نمی‌تواند حکم وضعی لزوم جبران خسارات و پرداخت هزینه‌های انجام شده را اثبات نماید. (مصطفوی، همان، ص ۸۴ - ۸۲)

به عقیده برخی حقوقدانان، از ادله قاعده احسان می‌توان در اثبات ضمان محسن الیه نیز استفاده نمود. به عقیده ایشان «جریان حکم مندرج در آیه شریفه «ما عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ» (توبه: ۹۱) که عبارت از نفی سبیل است، مبتنی بر احراز موضوع آن یعنی عمل شخص محسن است، به گونه‌ای که با تحقق موضوع حکم، امکان عدم جریان آن وجود ندارد، زیرا نسبت موضوع به حکم، نسبت علت به معلول است. حال کسی که برای دفع ضرر و یا جلب منفعت برای دیگری، عملی انجام می‌دهد که مصداق شخص محسن محسوب و اقدامش عملی محسنانه قلمداد می‌شود، ولی در نتیجه عملش متحمل خسارات مالی شده که برای تحقق آن، اقدام محسنانه اجتناب‌ناپذیر بوده است، نباید در اثر اقدام محسنانه‌اش دچار زحمت شود. پس این سختی و حرج ناشی از عمل چنین فردی باید به حسب حکم نفی سبیل در آیه، از او رفع گردد که تنها راه

منطقی رفع آن، ضامن بودن محسن الیه در قبال او و حق مراجعه محسن برای دریافت خسارات و مخارج خود به اوست». (مصطفوی، همان، ص ۷۵) برای روشن شدن موضوع مثالی را مطرح می‌کنیم. فرض کنید، کسی برای نجات شخصی که آتش گرفته، قالیچه‌ای متعلق به شخص آتش گرفته را به دور او بپیچد و او را نجات دهد. بر اساس قاعده احسان او ضامن خسارت وارده نخواهد بود. ولی اگر محسن، قالیچه خودش را به دور آن فرد بپیچد و او را نجات دهد، آیا نایستی بتواند به او رجوع نماید؟ اطلاق ادله احسان، این حالت را نیز دربر می‌گیرد و حکم به اثبات ضمان به کمک این قاعده، دور از ذهن به نظر نمی‌رسد. به عبارت دیگر «گاه نتیجه منطقی نفی سبیل، حکم به سقوط ضمان و عدم مسئولیت محسن است و گاه نیز نتیجه منطقی آن، اثبات ضمان مسئولیت برای محسن الیه است». (همان، ص ۷۶)

همچنین، حتی اگر، محسن مال شخص ثالثی را برای نجات فردی تلف نماید، اگرچه ضمان اتلاف در ابتدا بر عهده محسن خواهد بود، ولی می‌تواند برای مطالبه این هزینه‌ها به محسن الیه رجوع نماید. (ر.ک: پارساپور، ۱۳۸۲، ص ۱۵۳) زیرا در این حالت، هرچند زیان در ابتدا مستند به محسن الیه است، ولی از آنجا که ایراد زیان به قصد احسان و برای محسن الیه انجام گرفته است، در رابطه بین محسن و محسن الیه، جبران خسارت بر عهده محسن الیه قرار می‌گیرد.

۳. مبانی حقوقی مسئولیت مدنی رسانه‌ها

شناخت دقیق مبانی حقوقی در خصوص مسئولیت مدنی رسانه‌ها بستگی به تفکیک رسانه‌ها و سپس بیان قوانین مرتبط با هر بخش دارد از همین رو در این قسمت ابتدا بر اساس نوع فعالیت رسانه‌ها مواد قانونی مرتبط را تبیین می‌کنیم و سپس به بیان مصادیق «اضرار رسانه‌ای» و مواد قانونی مرتبط می‌پردازیم.

۱.۱.۳. اقسام فعالیت رسانه ای

در جهت تقسیم بندی اقسام ضرر در رسانه ها باید به ۲ گروه ضرر و زیان متأثر از رسانه ها توجه داشت. بعضی از زیانهای وارده به لحاظ طبع رسانه عمومیت داشته و بعضی نیز به اقتضاء نوع فعالیت یک رسانه زبانی مخصوص و خاص آن رسانه است.

۱.۱.۳.۱. رسانه های مکتوب

رسانه‌های مکتوب شامل کتب و مطبوعات است. مطبوعات و کتب از شناخته شده ترین رسانه ها هستند که تاثیری عمیق بر افکار عمومی دارند. منطبق با قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مصوب ۶۵/۱۲/۱۲ اجرای قوانین مربوط به مطبوعات و نشریات و تعیین ضوابط و مقررات مربوطه و تمرکز توزیع و نشر انواع آگهی های دولتی در داخل و خارج از کشور بر عهده وزارت مذکوراست عموماً آنچه که مبنای مسئولیت رسانه در جبران است ارتکاب مطبوعه به فعل زیانبار است که در خصوص نشریات و روزنامه ها تبصره ۴ ماده ۹ قانون مطبوعات آورده است مسئولیت (به معنای عام اعم از کیفری و حقوقی) مطالبی که در نشریه به چاپ می رسد و دیگر امور در رابطه با نشریه به عهده مدیرمسئول خواهد بود. ماده ۶ قانون اصلاح قانون مطبوعات چند تبصره به این ماده اضافه کرده است که از آن جمله تبصره ۷ را می توان نام برد که «مسئولیت مقالات و مطالبی که در نشریه منتشر می شود به عهده مدیرمسئول است ولی این مسئولیت نافی مسئولیت نویسندگان و سایر اشخاص که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند نخواهد بود».

ولی در رسانه های مکتوب کتاب نیز نقش عمده ای دارد در باب کتب باید قائل به این موضوع شد که گاه نویسندگان متهم به ورود زیان به دیگری است و گاه سوءاستفاده از آثار منتشره سوءاستفاده کننده را بر صندلی اتهام می نشاند لیکن از آنجاکه این مقاله راهکارهای جبران خسارت از فعالیت رسانه است به نحوی گذرا به حقوق مولف و ناشر کتب اشاره می‌نماییم.

قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۴۸/۱۰/۱۱ که از قوانین مهم در باب مسئولیت مدنی رسانه هاست در ماده ۱۹ هرگونه تغییر یا تحریف در اثرهای مورد حمایت قانون و نشر آن بدون اجازه پدید آورنده را ممنوع داشته است و حتی در ماده ۲۸ این مساله تصریحاً ذکر گردیده که هرگاه متخلف از این قانون شخص حقوقی باشد علاوه بر تعقیب جزایی شخص حقیقی مسئول که جرم ناشی از تصمیم او باشد خسارت شاکی خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد و در صورتی که اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند مابه التفاوت از اموال مرتکب جرم جبران می‌شود.

مشابه مواد فوق از حیث رعایت حقوق مولفان در قوانین دیگری از جمله قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۵۲/۹/۲۶ و یا مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره اهداف و سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب اردیبهشت ۱۳۶۷ و یا آئین نامه اجرایی قانون مطبوعات مصوب ۶۵/۱۱/۸ هیئت وزیران و آئین نامه نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران مصوب ۵۴/۶/۲۲ هیأت وزیران و... آمده است.

۲،۱،۳. رسانه های صوتی و تصویری (صدا و سیما)

در کشور ما صدا و سیما بعنوان رسانه‌ای قوی و منحصر به فرد در عرصه جامعه خودنمایی می‌کند و همین خصیصه دولتی بودن تاکنون نمایندگان مجلس را بر آن نداشت که ضوابط خاص مسئولیت مدنی و کیفری ناشی از برنامه های صدا و سیما را تدوین نماید. قانون اداره صدا و سیما جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۵۹ ضمن بیان استقلال صدا و سیما نظارت قوای سه گانه بر آن و نحوه تعیین رئیس آن را تصریح و تبیین نموده است. هرچند که کلیت ماده ۱۶ و ۱۹ و ۴۰ قانون مزبور امکان اخذ وحدت ملاک در نهی توهین و التزام به صداقت و تحمل پذیری انتقال یافت می‌گردد. در ماده ۱۶ قانون مزبور صداقت در بیان وقایع و رویدادهای اجتماعی مورد تاکید است و در ماده ۱۹ صدا و سیما موظف گردید در برنامه ها مخصوصاً اخبار مسائل حاوی تهمت به نهادها و ارگانها و گروهها و جمعیتها و احزاب..... را پخش نکند و در ماده ۴۰ جهت

ارتقاء فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر نسبت به ایجاد بستر و فضای سالم انتقادپذیری و گفت و گوی آزاد و برخورد سالم اندیشه‌ها گردید ولیکن تمامی این موارد به نظر کافی در پیگیری حقوقی زیان‌های وارده ناشی از افعال زیانبار صدا و سیما نخواهد بود.

۳،۱،۳. رسانه دیجیتال

الف) ماهواره

در ایران قانون ممنوعیت بکارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره مصوب ۷۳/۱۱/۲۳ مجلس شورای اسلامی و آئین نامه اجرایی آن مصوب ۷۴/۱/۹ تنها مقررات مربوط به ماهواره است. هرچند که بی‌توجهی شهروندان به قانون مزبور عملاً این قانون را از کارکردهای حقوقی خویش جدا نموده ولیکن از نقطه نظر حقوقی به لحاظ عدم تنظیم مقررات مغایر باید هم‌چنان آن را قانونی لازم الاجرا دانست. در ماده ۱۰ آئین نامه فوق‌الذکر نشر آگهی‌های تبلیغاتی از طریق مختلف در مطبوعات و صدا و سیما یا تبلیغات شهری که متضمن جواز استفاده از برنامه‌های ماهواره‌ای باشد ممنوع است. یا ماده ۱۴ آئین نامه مسئول واحد استفاده کننده دستگاه‌ها و سازمان‌ها از تجهیزات مربوطه در برابر هرگونه استفاده غیرقانونی موظف به پاسخگویی شده است.

ب) اینترنت

مسئولیت مدنی ناشی از ارتباطات اینترنتی آن است که چنانچه در نتیجه فعل هر یک از اشخاص مختلف با مقاصد و عناوین متفاوتی با اینترنت کار می‌کنند به اشخاص دیگر یا حقوق و منفعت‌های قطعی الحصول آنان زیان وارد شود چه اشخاصی امکان جبران ضرر را دارند. اگر کسی در فضای پر مخاطره اینترنت حقوق اعضای مادی یا معنوی پدیدآورندگان آثار علمی- ادبی- هنری و علائم تجاری و حتی با پخش یک خبر کذب و... حقوق مربوط به شخصیت آنان را با مخاطره مواجه سازد و موجب ضرر معنوی شود آیا این ضرر قابل جبران است؟ و مسئول کیست؟

ورود خسارت ناشی از فعالیت های اینترنتی بنظر در قالب فروض ذیل قابل حدوث است:

- ۱- هتک حرمت ۲- ورود غیرقانونی به حریم خصوصی ۳- نقض علائم تجاری ۴-
- نقض حقوق مولف (کپی رایت) ۵- ورود ضرر از طریق ویروس های رایانه ای
- ۶- ارتباط گیری اینترنتی (لینک های غیرمجاز) ۷- نشر اکاذیب

تمامی موارد فوق از موجبات ورود ضرر به دیگری در فضای مجازی اینترنت است. زمانی که یک هکر به هر دلیل اعم از سرگرمی یا قصد مجرمانه یا کسب منافع مالی به لحاظ فروش برنامه های ویروس یاب اقدام به هک نمودن سایتها می نماید و این فعل موجب ورود ضرر به دیگری می شود یا زمانی که اشخاص با تمسک به دانش های رایانه ای با ورود به رایانه های سازمانها، ادارات و یا اشخاص به حریم خصوصی مردم وارد می شوند و یا با نقض حقوق یک مولف محصول زحمات یک مولف را در اثری علمی، ادبی و یا هنری و سینمایی آنرا در فضای مجازی در اختیار اغیار قرار می دهد و گاه با آن کسب منفعت می کند و بدون توجه به تکثیر و نمایش و حق اجراء و حق پخش از رادیو و تلویزیون و حق ترجمه و کلیه حقوق مذکور که همگی مالیت دارد چگونه مسئولیت مدنی خواهد داشت؟ آیا قواعد خاصی در برخورد با چنین افعال زیانباری وجود دارد یا خیر؟

و با توجه به حساسیت و گستردگی مفهوم حریم خصوصی و ارزش آن در نظام های حقوقی که به اندازه ای است که بسیاری از کشورها در قوانین اساسی خود به این مهم تصریح نموده اند و حتی برخی کشورها قانون خاص راجع به حمایت از حریم خصوصی وضع نمودند و شخص با استفاده از اینترنت به ویژه از طریق انتشار اطلاعات شخصی افراد این حریم را نقض می کند و یا با دسترسی غیرمجاز سایرین از طریق ارتباط اینترنتی به اطلاعات شخصی افراد دست می یابد و همه این اعمال مصداق دیگر نقض حریم خصوصی از طریق شبکه مذکور می باشد با چه مواد قانونی و راهکارهایی امکان

مقابله جهت جلوگیری از حدوث چنین حوادث و یا برخورد با ارتکاب چنین افعال
زیانباری جهت جبران ضرر و زیان دیده وجود دارد؟

۲.۳. مصادیق اضرار رسانه‌ای

بعضی از اقدامات رسانه‌ها در ورود ضرر و زیان به اغیار با توجه به نحوه فعالیت و قوانین
حاکم مجرمانه بوده و قابلیت مجازات دارد. بدیهی است مجازات مرتکب خود یکی از
راهکارهای آرامش روحی و عاطفی زیان دیده است از جمله مجازاتهای کیفری و یا
جبران خسارت حقوقی قابل اعمال در رسانه‌های گروهی باید منطبق با نوع جرم و نوع
فعل و نوع رسانه مرتکب جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

اعمال زیانبار رسانه‌ها در ورود ضرر مادی یا معنوی به دیگری بعضاً در قالب موارد ذیل
واقع می‌شود:

۱.۲.۳. نقض حریم خصوصی

در نظام حقوقی ایران اصول ۲۲، ۲۳ و ۲۵ قانون اساسی و مواد ۵۷۰، ۵۸۰، ۵۸۲، ۶۴۱
و ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی به برخی از مسائل مربوط به حریم خصوصی اشخاص
توجه نموده‌اند چراکه هرکس غیر از خود شخص هیچ حقی به ورود به قلمرو درون
خویش را ندارد.

اصل ۲۲ قانون اساسی: حیثیت، جان، مال، حقوق مسکن و شغل اشخاص از تعرض
مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

اصل ۲۳ قانون اساسی: تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف
داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.

اصل ۲۵ قانون اساسی: بازرسی و نرساندن نامه‌ها ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابرات و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی جهت جلوگیری از توقیف غیرقانونی و انفصال از خدمت و محرومیت سه تا ۵ سال از مشاغل دولتی و حبس از ۶ ماه تا سه سال را برای مامورین دولتی مرتکب مقرر نموده است.

و ماده ۵۸۲ و ۶۴۱ قانون مزبور تعرض به مراسلات و مخابرات و مکالمات تلفنی اشخاص را بنحو غیرقانونی مستوجب مجازات دانسته است و در تمام موارد فوق ماده یک قانون مسئولیت مدنی که هر کس عمداً بدون مجوز قانونی یا با بی احتیاطی به جان و مال و آزادی و حیثیت و شهرت تجاری دیگری لطمه وارد کند موظف به جبران ضرر دانسته قابلیت پیگیری و جبران ضرر را دارد.

۲،۲،۳. هتک حرمت

در تحقق هتک حرمت باید ۲ شرط علنی بودن که در رسانه های همگانی با پخش و انتشار محقق می شود و نیز معین بودن شخص مورد هتک که اعم از شخص یا گروهی قابل شناسایی است لحاظ گردد. (انصاری و دیگران، ۱۳۸۱ ص ۶۱۳)

پیشرفتهای روزافزون علمی و فنی دنیای نوین بویژه در عرصه رسانه های همگانی باعث شده که زندگی خصوصی هر روز مورد تهدید قرار می گیرد امروزه اطلاعات به منزله کالای جدید است که می تواند دنیا را تکان دهد. هتک حرمت عمدتاً در رسانه ها در قالب افترا (انتساب صریح عمل مجرمانه به غیر و عدم توانایی به اثبات آن) و توهین (انتساب صریح عمل مجرمانه به غیر و عدم توانایی به اثبات آن) و توهین انتساب هر امر وهن آوری اعم از دروغ یا راست به هر وسیله و روش با ترکیب سه عنصر وهن آور بودن مطلب منتسبه و انتشار و پخش آن و علم به وهن آور بودن آن و نشر اکاذیب (انتساب موضوع مورد انتشار و پخش به زیان دیده) تجلی می یابد که برای ارتکاب این افعال در

قانون مجازات اسلامی مجازات تعیین گردیده هرکس به هر وسیله ای (چاپی- خطی- روزنامه- جرائد- نطق در مجامع یا هر وسیله دیگر...) جرمی را به کسی منتسب بداند ولی نتواند ثابت کند یا به قصد اضرار یا تشویش اذهان عمومی اوراق چاپی یا خطی بدون امضاء یا با امضاء را برخلاف حقیقت ارسال کند علاوه بر اعاده حیثیت و جبران ضرر مادی و معنوی به حبس محکوم می‌گردد (مواد ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۹۷ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی) و (ماده ۳۰ قانون مطبوعات سال ۶۴) (ماده یک قانون مسئولیت مدنی)

۳،۲،۳. انتشار غیرمجاز اخبار دادگاه‌ها

هرچند که علنی بودن دادگاه‌ها یکی از اصول ترقی قانون اساسی کشورمان است (اصل ۶۵ قانون اساسی) لیکن آیا رسانه‌های همگانی می‌توانند به انتشار گزارش جلسه علنی دادگاه بپردازند. ماده ۱۸۸ قانون آئین دادرسی در امور کیفری منظور از علنی بودن محاکمه را عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در دادگاه می‌داند ولی انتشار آن در رسانه‌ها را قبل از قطعی شدن رای قضایی غیرمجاز اعلام داشته است. بر اساس ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری نیز قبل از ثبوت تخلف درج و نشر آن ممنوع اعلام شده است. در ذیل ماده ۲۲۵ قانون آئین دادرسی کیفری آمده است در انتشار جریان دادگاه از طریق رسانه‌های همگانی و یا فیلمبرداری و تهیه عکس و افشای هویت و مشخصات متهم ممنوع و متخلف به مجازات قانونی مندرج در ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد. مضاف بر آن نشر مذاکرات غیرعلنی مجلس شورای اسلامی نیز از مصادیق نشر غیرقانونی است.

۴،۲،۳. گمراه کردن از طریق تبلیغات

رسانه‌ها قادرند با تبلیغات امر موهومی را صحیح و امر صحیح و مقبولی را موهوم جلوه دهند ارائه تبلیغات غیرصحیح در عرصه‌های مالی (تجاری) یا فرهنگی یا سیاسی (انتخاب ریاست جمهوری، مجلس، خبرگان، شوراهای شهر و روستا) همگی امکان

تحقق ضرر را دارد رسانه نباید در هر یک از این عرصه ها از قواعد و مقررات حاکم بر موضوع خارج نشود و یا با آگهی تبلیغاتی مقایسه‌ای درصدد تخریب باشد.

آئین نامه تاسیس و نظارت بر نحوه کار و فعالیت کانون‌های آگهی و تبلیغاتی مصوب سال ۵۷ شورای انقلاب نحوه تبلیغات و آگهی ها را باید روشن نموده است تا برابر ماده ۱۲ آئین نامه مزبور رسانه ها از ادعاهای تبلیغاتی غیرقابل اثبات و مطالب گمراه کننده پرهیز کنند و از قول منابع علمی مطالبی که از نظر علمی تأیید نشده بهره‌مند نگردند.

و برابر ماده ۱۲ آئین نامه تاسیس و نظارت بر نحوه کار و فعالیت کانون های آگهی و تبلیغاتی از استفاده از تصاویر مغایر اخلاق و معتقدات مذهبی و عفت عمومی و توهین آمیز ممنوع گردیده اند. عدم توجه به هریک از این مقررات می تواند موجب مسئولیت مدنی و حتی کیفری متخلف گردد.

در عرصه سیاسی و انتخابات نیز تبلیغات گمراه کننده می‌تواند موجب مسئولیت گردد. هرچند که آشنایی انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و همچنین آگاهی عموم از وضعیت داوطلبان نمایندگی امری ضروری برای انتخاب کردن است. ولی قواعد و مقررات انتخابات همچون مواد ۶۴، ۵۷، ۵۸، ۶۲، ۶۳ و ۶۵ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و یا ماده ۷۴ و ۷۴ قانون انتخابات ریاست جمهوری مقرراتی را جهت جلوگیری از تبلیغات گمراه کننده وضع نموده است.

۵،۲،۳. سوء استفاده از علائم تجاری و آثار فکری

رسانه ها عموماً در جهت تامین منابع مالی خود ناگزیر به استفاده از تبلیغات تجاری و معرفی آثار و.... هستند. علامت تجاری شرکتها عبارتست از هر نشانه تمایز بخشی که کالا یا خدمات مشخصی را که بوسیله اشخاص یا شرکتهای خاص تولیدی یا خدماتی ارائه می گردند معرفی و مشخص می گردد. از قبیل آرم کوکاکولا و علامت بنز یا ایران خودرو و و آثار علمی و هنری و سینمایی موسیقی و تجاری دیگران بدون مجوز آنان تعدی و تجاوز به حقوق آنان است.

۶,۲,۳. تحریک به جرائم علیه امنیت

رسانه‌ها در صورت اقدام به تحریک مردم یا گروه خاص به اقدام علیه امنیت می‌بایست مسئولیت ناشی از اقدام خویش را بپذیرند در این راستا ماده ۲۵ قانون مطبوعات مجازات کیفری را به قانون مجازات عمومی سابق احاله داده و مفاد ماده ۵۱۲ و ۵۰۴ قانون مجازات اسلامی نیز در خصوص موضوع تعیین تکلیف نموده است لیکن براساس عموماً قانونی و قواعد مختلف فقهی موجود مسئولیت مدنی ناشی از اقدام رسانه نیز قابلیت توجه دارد. اقدام به تحریک علیه امنیت دارای مصادیق متعدد و بی‌پایانی است که از آنجمله تبلیغ علیه جمهوری اسلامی، تحریک به شورش در نیروهای مسلح و ایجاد تحریکات قومی و قبیله‌ای نیز هست.

۷,۲,۳. انتشار اسناد محرمانه دولتی و نظامی

انتشار اسناد محرمانه و سری دولتی بموجب قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح و قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی مصوب ۱۳۵۳ غیرمجاز و مستوجب عقوبت است که اسناد محرمانه و سری و... دارای آئین نامه مخصوص است که تمامی رسانه‌ها از انتشار این گونه اسناد و بدون مجوز قطعاً ممنوع خواهند بود و چنانچه در راستای ارتکاب این فعل زیان به شخص، گروه و یا حتی دولت وارد گردد موظف به جبران زیان خواهند بود در سالهای اخیر نیز چاپ سند محرمانه وزارت اطلاعات در روزنامه سلام موجب تعطیلی این روزنامه و برخورد جزائی با مدیر مسئول آن شد.

۸,۲,۳. نشر اکاذیب

دروغ پراکنی در تمامی ادیان و سیستمهای حقوقی قبیح و جرم است در ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی هرکس به قصد اضرار دیگران یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی یا شکوائیه یا... یا توزیع اوراق چاپی یا خطی با امضاء یا بدون امضاء اکاذیبی را اظهار نماید... باید به حبس از دو ماه تا دو سال و یا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم

شود و بند ۱۱ ماده ۶ قانون مطبوعات مصوب سال ۷۹ نیز پخش شایعات و مطالب خلاف واقع و یا تحریف مطالب دیگران را جرم دانسته و در تبصره این ماده مجازات های مقرر در ماده ۶۹۸ را برای متخلف در نظر گرفته و اصرار در ارتکاب را نیز موجب لغو پروانه اعلام نموده است بنابر این بر اساس عموماًت قانون مسئولیت مدنی متضرر از جرم حق مطالبه خسارت را نیز خواهد داشت.

۴. شیوه های جبران خسارت رسانه ها در قالب قانون

بر اساس آنچه تا کنون بیان شد هم از منظر فقهی و هم از منظر حقوقی مسئولیت مدنی رسانه ها در قبال ضررهای وارده به افراد حقیقی و حقوقی مسلم است. بنابراین نیازمند تدوین یک قانون مستقل در باب مسئولیت رسانه ها هستیم. اما شیوه هایی که می توان برای جبران خسارت رسانه پیشنهاد کرد باید با هدف وضع این قانون مطابقت داشته باشد. هدف جبران خسارت توسط رسانه ها در اضرار به غیر مختلف است از جمله: ۱- جبران خسارت مادی ۲- اعاده وضع به حال قبل ۳- اعلام حقوق متداعیین ۴- خرسندسازی زیان دیده ۵- مجازات یا تنبیه مقصر یا متخلف ۶- جلوگیری از دارا شدن غیر عادلانه ناشی از تخلف. پرواضح است که تمام هدف جبران خسارت با در نظر گرفتن نوع خسارت و خواست متضرر از زیان و التیام زیان دیده اعاده وضع به حال سابق است. گاهی زیان جنبه مالی دارد و گاه معنوی و گاه واجد هر دو عنوان برای جبران ضرر میزان غرامت مالی که قابل پرداخت است باید متناسب با زیان وارده تعیین گردد و تعیین میزان خسارت توسط قضات محاکم با استفاده از نظریات کارشناسان ممکن خواهد بود و خسارتی که تعیین می گردد عملاً باید کلیه ضررهای ناشی از فعل زیانبار را شامل شود.

اما در ضررهای وارده معنوی تنها پرداخت غرامت کافی نیست آنچه که در ضررهای معنوی مورد لحاظ و توجه است التیام آلام روحی و روانی و اجتماعی زیان دیده است و این تنها از اتخاذ یکی از طرق ذیل ممکن است:

۱- الزام به عذرخواهی یا اصلاح موضوع در رسانه همگانی که موضوع در آن منتشر شده است.

۲- درج حکم محکومیت رسانه مقصر در رسانه های مختلف

۳- جمع آوری اثر زیان بار و جلوگیری از نشر و پخش یا عرضه آن

۴- درج پاسخ متضرر از جرم در رسانه همگانی مربوطه (فاعل فعل زیان بار)

۵- درج در پرونده رسانه و تعلیق فعالیت بمدت محدود

۶- در صورت تکرار فعل زیان بار توقیف یا تعطیلی رسانه متخلف

که تمامی موارد فوق با تمسک به قواعد و مقررات حاکم بر موضوع و تعلیق تخلف مربوطه با قوانین و مقررات موجود و استناد به قواعد فقهی و شرعی و قانون مسئولیت مدنی قابل اعمال است.

نتیجه گیری و پیشنهادات

بر اساس پژوهش حاضر مسئولیت مدنی رسانه‌ها و ابعاد مختلف آن از منظر فقهی و حقوقی ترسیم شد که در صورت حکومت مسئولیت مدنی بر موضوع ضمن تحمیل مجازات های مالی و جبران ضررهای ناشی از فعل زیانبار برای زیان دیده و تنبه رسانه مربوطه فرصت لازم جهت حضور در عرصه های فرهنگی... به رسانه مربوطه داده خواهد شد. در این راستا به نظر می‌رسد تدوین قانون جامعی در باب مسئولیت مدنی در رسانه‌های گروهی ضروری است. این قانون چنانچه واجد موارد ذیل باشد مسئولیت مدنی رسانه‌ها را در جامعه و محاکم قضایی با قوت و قدرت اعمال خواهد نمود. ضمن اینکه وضع قانونی خاص در نحوه برخورد با تمام رسانه‌ها و یکسان سازی قوانین، از تشتت و برداشتهای مختلف حقوقی در موضوعات مستحدثه جلوگیری می‌نماید. در

صورت تحقق اراده تحریر و تصویب قانونی برای مسئولیت مدنی رسانه‌ها به نظر نگارنده و بسیاری از حقوق‌دانان دقت در موارد ذیل لازم و ضروری است:

- ۱- حریم خصوصی اشخاص باید از تعرض مصون باشد و در هر یک از موارد رسانه ای باید میزان نقض مصونیت به موجب قانون تصریح گردد.
- ۲- انعکاس حریم خصوصی افراد با اجازه آنان بلامانع باشد مصادیق بارز حریم خصوصی مزبور حق اشخاص بر نام و تصویر و خلیات و نامه‌ها و... است.
- ۳- پخش تصاویر و چهره‌های شخصیت‌های اجتماعی که نفع عمومی را در برجسته نمودن نظرات آنان در برداشته و [همچنین] سخنرانی‌های افرادی که مجاز به سخنرانی و نشر افکارشان هستند در رسانه‌ها بلامانع باشد.
- ۴- چاپ و نشر و پخش تصاویر اشخاص و صاحبان حرفه‌ها و حتی تابلوی آنها بدون رضایت آنان ممنوع باشد.
- ۵- فیلم برداری و تصویربرداری از اماکن عمومی تنها با مجوز و درج تابلو یا نوشته در آن محل ممکن باشد تا مردمی که در حال گذر هستند حق انتخاب حضور در تصویر یا فیلم را داشته باشند.
- ۶- تصویربرداری از کودکان و نوجوانان منوط به رضایت والدین آنها باشد.
- ۷- جداسازی فرهنگ طنز و کاریکاتور با تخریب و توهین و افترا به نحوی که فعالیت رسانه ای توهین آمیز و نشر اکاذیب و فعالیت‌های موجب لطمه به حیثیت اشخاص و شهرت تجاری و عواطف اشخاص ممنوع و واجد مجازات‌های سنگین و جبران زیان متضرر باشد.

۸- صاحبان حرف و تشکل‌های رسمی و کانون‌ها و گروه‌های قانونی و ادارات و نهادها در حمایت از کارمندان و ابواب جمعی خود حق طرح دعوی علیه رسانه‌های زیان رساننده را داشته باشند.

۹- نقد عملکرد مدیران اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مجاز و تنها در صورت واجد عناوین توهین، هتک حرمت و... قابل تعقیب است.

۱۰- اعمال، آرا و نظریه‌ها و تصمیم‌های قضایی پس از صدور حکم قطعی قابلیت نشر و بیان رسانه‌ای با حفظ حقوق طرفین دعوی تنها با درج نام و شعبه دادگاه با قابلیت تفسیر و بررسی حقوقی و قضایی جهت اطلاع شهروندان از نحوه اقدام دستگاه قضا را داشته باشد.

۱۱- در عرصه تبلیغات به کارگیری تصاویر مقامات عالی رتبه مذهبی، سیاسی، اقتصادی و تاریخی و فرهنگی دولتی، ورزشی، ممنوع و مستوجب تعقیب گردد ولیکن بکارگیری تصاویر اشخاص فرهیخته فرهنگی اقتصادی و تاریخی فرهنگی خصوصی تنها با اجازه آنان مجاز می‌باشد.

۱۲- در اظهار نظرهای تبلیغاتی مبتنی بر ارائه نظری علمی منبع موثق علمی موضوع در ذیل آگهی‌ها درج شود.

۱۳- استفاده جزئی و حاشیه‌ای با ذکر منبع در مالکیت‌های فکری و ادبی و هنری و سینمایی مجاز اعلام گردد.

۱۴- تبدیل یک اثر ادبی و نمایشی و هنری و غیره به فیلم سینمایی یا رادیویی با تصویری بدون اجازه دارنده حق ممنوع باشد.

۱۵- استفاده از علامت تجاری تحت هر عنوان منوط به مجوز صاحب علامت باشد.

۱۶- دادگاه ها مکلف به تعیین خسارت مادی و الزام رسانه متخلف به جبران زیان بر اساس نظریات کارشناسی در تعیین میزان خسارت باشند.

۱۷- نویسنده، بازیگر، گزارشگر و هر کسی که در انجام فعل زیانبار نقش داشته است به ازاء میزان تقصیر و قصور در حدود زیان محکوم به پرداخت زیان گردد.

۱۸- در صورت حدوث تخلف از سوی اشخاص حقوقی، شخص حقوقی بعنوان فاعل فعل زیان بار مکلف به جبران خسارت بوده و چنانچه اموال شخص حقوقی کفایت زیان را نکند عوامل دخیل در ورود زیان موظف به جبران آن از اموال شخصی باشند.

۱۹- رسانه های دولتی بدون بهره مندی از مزایای مندرج در قوانین دیگر همانند مزایای منع توقیف اموال دولت و شهرداری ها در جرائم ناشی از اعمال زیان بار رسانه ای موظف به جبران زیان بقید فوریت با تعیین ظرف زمانی معین گردند.

۲۰- اقدامات رسانه در جهت کاهش آثار فعل زیانبار همانند عذرخواهی- اظهار برائت- رضایت زیان دیده موجبات تخفیف آلام زیان دیده و مجازات را فراهم آورد.

۲۱- رسیدگی به دعوی مسئولیت مدنی رسانه ها بدون نیاز به تشریفات آئین دادرسی مدنی در شعبه ویژه ای از محاکم و بنحو سریع و خارج از نوبت بعمل آید بنحوی که در ظرف زمانی محدودی زیان دیده بتواند ضررهای مادی و معنوی خود را جبران شده ببیند.

۲۲- در صورتیکه زیان دیده دارای گستردگی عنوان باشند همانند صاحبان حرف معلمان، مهندسان، کارشناسان، وکلاء و زیان دیدگان قابلیت جمع آوری در

نام های شخص مشخص را نداشته باشند محکومیت مالی مربوطه در جهت جبران زیان به نفع مستمندان، فقرا، نهادهای حمایتی اخذ شود.

۲۳- رسانه متخلف موظف به در اختیار نهادن صفحه یا زمان یا موقعیت مناسبی به نهادهای عمومی در جهت تشریح مطالب دینی، فرهنگی و اقتصادی و غیرسیاسی گردد.

۲۴- الزام قانونی رسانه ها در بیمه نمودن فعالیت خویش ناشی از مسئولیت مدنی.

۲۵- الزام دست اندرکاران رسانه‌ها به ثبت نام کارکنان تمام وقت خود و ارائه قراردادهای کار آنان به مراجع قانونی.

۲۶- تولیدکنندگان آثار رسانه ای و مسئولیت ناشی از تولید هر محصول این تعهد ضمنی و بدیهی را دارد که برای مصرف کننده خطری ندارد.

۲۷- اعمال ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی در باب رسانه‌ها به جهت حفظ قداست رسانه ممنوع گردد و در صورت عدم جبران صحیح زیان توسط خاسر تنها به توقیف رسانه مکتوب تا زمان جبران زیان بسنده گردد. (حسنی و هاشمی، ۱۳۸۹)

با عنایت به گستردگی مسئولیت ناشی از فعل زیان بار رسانه‌ای به نظر می‌رسد لحاظ موارد فوق در قانون جامع و کاملی از مسئولیت مدنی رسانه‌ای علاوه بر منع دستگاه قضائی به تحمیل مجازاتهای کیفری هم آثار زیان ناشی از عمل رسانه را کاهش دهد و هم موجبات تنبیه و ارباب متخلفین را در برداشته باشد ضمن اینکه تدوین چنین مقرراتی می‌تواند در صورت انحصار رسانه گروهی را در ترویج تفکر خاص بر خلاف مصالح اجتماع شکسته و عملاً با الزام متخلف به درج عذرخواهی از زیان دیده و جبران ضرر وارده و در اختیار نهادن صفحاتی از نشریه و یا زمانی خاص در رسانه های صوتی تصویری و دیجیتال به انعکاس گزارشات فعالیت های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی

دستگاه های تعیینی مرجع قضائی فضای رسانه را نیز از محیط زیان و جرم خارج و به
فضا و محیط انتشار خدمتی خدایسندانه رهنمون سازد.



منابع

قرآن کریم

۱. انصاری، باقر؛ شیخ الاسلامی کندولوسی، جهانسوز؛ مهدی زاده، مهدی؛ تیلا، پروانه (۱۳۸۱)، مسئولیت مدنی رسانه های گروهی، تهران، انتشارات تدوین و تنقیح قوانین ریاست جمهوری.
۲. انصاری، مرتضی (۱۴۱۴)، رسائل فقهیه، قم، الامانه العامه للمؤتمر المئوی للشیخ الاعظم الانصاری.
۳. آخوند خراسانی، محمد کاظم (۱۴۲۳)، کفایه الاصول، قم، موسسه آل البيت (ع).
۴. آئین نامه تاسیس و نظارت بر نحوه کار و فعالیت کانون های آگهی و تبلیغاتی مصوب سال ۵۷ شورای انقلاب.
۵. بهرامی احمدی، حمید (۱۳۸۸)، مسئولیت مدنی، تهران، میزان.
۶. پارساپور، محمد باقر (۱۳۸۲)، «اضطرار در حقوق مسئولیت مدنی»، مجله نامه مفید، شماره ۴۰، بهمن و اسفند ۸۲.
۷. پورجوهری، کامران (۱۳۸۰)، «مسئولیت مدنی ناشی از پخش برنامه های رادیو و تلویزیونی با مطالعه تطبیقی»، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه تهران، دسترسی در سایت: <http://www.hawzah.net/fa/Seminar/View/۸۰۶۵۳>
۸. تانکارد، جیمز و سورین، ورنر (۱۳۸۶)، نظریه های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۹. ترزومی نژاد، وحیده؛ ایراننجا، بابک (۱۳۹۱)، «مسئولیت مدنی رسانه های تصویری نسبت به پخش برنامه های برون مرزی»، نشریه مطالعات رسانه ای، بهار ۱۳۹۱، ش ۱۶، ص ۹۷-۱۰۵.
۱۰. الجبعی العاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی) (۱۴۱۶)، مسالک الافهام فی تنقیح شرایع الاسلام، قم، موسسه المعارف الاسلامیه.
۱۱. حسینی سیستانی، سیدعلی (۱۴۱۴)، قاعده لاضرر و لا ضرار، قم، مکتب آیت الله العظمی السید سیستانی.
۱۲. حسینی المراغی، میرعبدالفتاح (۱۴۱۷)، العناوین الفقهیه، قم، موسسه النشر الاسلامی.
۱۳. حکیم، محسن (بی تا)، نهج الفقه، قم، انتشارات ۲۲ بهمن.

۱۴. خوانساری، موسی بن محمد نجفی (۱۳۷۳)، رساله فی قاعده نفی الضرر، تهران، المكتبة المحمدية.
۱۵. داوآوکس، امانوئل (بی تا)، «رژیم مسئولیت مدنی و کیفری رسانه ها در حقوق فرانسه»، دسترسی در سایت: <http://www.ensani.ir/fa/content/۱۴۱۰۲۸/default.aspx>
۱۶. رشتی، میرزا حبیب الله (۱۳۳۲)، رساله فی الغصب، تهران، بی جا.
۱۷. شهبایی خراسانی، محمود (۱۳۳۲)، قواعد فقه، تهران، دانشگاه تهران.
۱۸. صحرا نورد، ابوذر؛ صحرانورد، رسول؛ خلیل زاده، سید محمد مهدی (۱۳۹۰)، مسئولیت مدنی رسانه ها در حقوق موضوعه ایران، تهران، دفتر مطالعات و برنامه ریزی رسانه های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کتاب الکترونیک دسترسی در سایت: <http://rasaneh.farhang.gov.ir/fa/newsagency/۲۳۱۹/>
۱۹. طباطبایی یزدی، محمد کاظم (۱۳۷۸)، حاشیه المکاسب، قم، موسسه اسماعیلیان.
۲۰. عامری، پرویز (۱۳۸۱)، «مبانی اداره مال غیر در حقوق اسلام»، مجله رهنمون، ش اول، ۱۳۸۱.
۲۱. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۸)، قواعد الاحکام، قم، موسسه النشر الاسلامی.
۲۲. قانون اداره صدا و سیمای جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۵۹.
۲۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۲۴. قانون انتخابات ریاست جمهوری
۲۵. قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی
۲۶. قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مصوب ۶۵/۱۲/۱۲
۲۷. قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۵۲/۹/۲۶
۲۸. قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۴۸/۱۰/۱۱
۲۹. قانون مجازات اسلامی
۳۰. قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح و قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی مصوب ۱۳۵۳

۳۱. قانون مدنی
۳۲. قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۷۹.
۳۳. قانون ممنوعیت بکارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره مصوب ۷۳/۱۱/۲۳ مجلس شورای اسلامی و آئین نامه اجرایی آن مصوب ۷۴/۱/۹.
۳۴. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۶)، الزامهای خارج از قرار داد(ضمان قهری): مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۳۵. مبین، حجت، (۱۳۸۷)، «نظریه «قابلیت استناد» به عنوان مبانی مسئولیت مدنی در فقه امامیه و حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه»، تهران، دانشگاه امام صادق(ع).
۳۶. محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن(۱۴۰۹)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تهران، انتشارات استقلال.
۳۷. محقق داماد، مصطفی، (۱۳۸۰)، قواعد فقه، بخش مدنی(۲)، تهران، سمت.
۳۸. مصطفوی، محسن، (۱۳۸۴)، «احسان؛ منبع مسئولیت»، مجله فقه و حقوق، سال دوم، پاییز ۱۳۸۴، شماره ۶، از ص ۶۳ - ۸۸.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر(۱۴۱۱)، القواعد الفقهیه، قم، انتشارات مدرسه الامام امیرالمومنین(ع).
۴۰. نائینی، میرزا محمد حسین(۱۳۷۳)، منیة الطالب فی حاشیة المكاسب، مقرر: خوانساری، موسی بن محمد نجفی، تهران، المكتبة المحمدیة.
۴۱. نجفی، محمد حسن، (۱۳۶۷)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۲. نراقی، ملا احمد(۱۴۰۸)، عوائد الايام فی بیان قواعد الاحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام، قم، مکتبه بصیرتی.
۴۳. هاشمی، سیدرضا؛ حسنی، علیرضا(۱۳۸۹)، «مسئولیت مدنی رسانه ها»، نشریه روابط عمومی، مهر ۱۳۸۹ - شماره ۷۳، از ص ۱۸ - ۲۵.